

حرفه بهبودبخش

در بسیاری از نوشته‌ها، بحث حرفه‌بودن یا نبودن کتابداری، بویژه در مقایسه با حرفه‌هایی مانند حقوق و پزشکی، مطرح می‌باشد.

مقایسه این سه حوزه، بویژه به لحاظ شاغلان در این رشته‌ها، بحث بیره‌زنانه‌بودن حرفه کتابداری و مردانه‌بودن حرفه‌های پزشکی و حقوق را پیش کشیده است. «ماری نیلزماک» در مقاله‌ای که در شماره 38 مجله *Journal of Education for Library and Information Science* در سال 1977 منتشر کرد بر ضرورت بازمفهوم‌سازی حرفه‌ها برای رفع ابهامات موجود در این حوزه تأکید دارد.

در بازمفهوم‌سازی که او به عمل می‌آورد سه نوع حرفه مختلف شناخته می‌شوند:

1. حرفه‌هایی که از اقتدار بالا برخوردارند، مانند حقوق و پزشکی. در این حرفه‌ها متخصصان، دستورالعمل‌ها و تجویزها یا راهبردهایی را ارائه می‌کنند که مشتری باید آن‌ها را دنبال کند؛
2. حرفه‌های غیرمستقیم یا تولیدگر مانند مهندسی و معماری که بخشی از آن، دستوری و بخشی مشورتی است؛

3. حرفه‌های «بهبودبخش» مانند آموزش، مددکاری اجتماعی، و کتابداری و اطلاع‌رسانی؛ در این حرفه‌ها متخصصان مهارت‌هایی مشابه مهارت‌های خود در مشتریان به وجود می‌آورند، با این هدف که آن‌ها از دانش برای اعمال کنترل بر زندگی یا تعلیم خود بهره گیرند.

این حرفه‌ها اساساً مشارکتی و مشتری‌مدارند و اصلی‌ترین رسالت آن‌ها تسهیم و تسهیل در دسترسی به دانشی است که مورد نیاز مشتری می‌باشد.

این حرفه‌ها بویژه با حرفه‌های دارای اقتدار بالا، متفاوت هستند. در الگوی مشتری‌مدار این حرفه‌ها، قدرت و اقتدار حاکم نیست، بلکه تمایل به توسعه قابلیت‌ها و ارتقای اطمینان در مشتریان حاکم است؛ هدف آن است که مشتریان از توانایی پرداختن به مسائل و چالش‌های خود برخوردار شوند.

با پذیرش مفهوم کتابداری به عنوان «حرفه بهبودبخش»، ضرورت تلاش برای مشابه‌سازی با حرفه‌های حقوق و پزشکی از بین می‌رود؛ در مقابل ضرورت تلاش برای افزایش استقلال و قابلیت‌های دیگران، در حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی آشکار می‌شود.

در این چهارچوب نظری است که فعالیت‌های گسترده برای افزایش سواد اطلاعاتی در افراد و جامعه، بویژه در این دوران که انسان‌های مستقل با قابلیت‌های فرامعمولی، سرمایه‌های اصلی هر کشور و جامعه‌ای هستند، با ارزش تلقی می‌شوند.